



## نقشه‌ی گنج



روزی روزگاری، سه دوست به نام‌های سامان، آرمان و محمد تصمیم گرفتند به جزیره‌ای دورافتاده سفر کنند تا گنجی پنهان را پیدا کنند. آن‌ها نقشه‌ای داشتند که نشان می‌داد گنج در نقطه‌ای خاص از جزیره دفن شده است. برای رسیدن به گنج، باید چندین معما و مسئله را حل می‌کردند.

مرحله‌ی اول (پل چوبی): وقتی به جزیره رسیدند، با یک پل چوبی روبه‌رو شدند که باید از آن عبور می‌کردند. روی پل نوشته شده بود: برای عبور از پل، باید تعداد تخته‌های چوبی را بشمارید و سپس آن را با عدد ۱۰ جمع کنید. سامان شروع به شمارش کرد و گفت: پل ۱۲ تخته‌ی چوبی دارد. آرمان گفت: پس باید ۱۲ را با ۱۰ جمع کنیم و به همان اندازه قدم برداریم تا به مرحله بعدی برسیم.

مرحله‌ی دوم (دیوار سنگی): بعد از عبور از پل، طبق نقشه پیش رفتند و به یک دیوار سنگی رسیدند. روی یکی از سنگ‌ها نوشته شده بود: برای عبور از دیوار سنگی، باید تعداد سنگ‌های جلوی دیوار را بشمارید و سپس آن عدد را از عدد





۴۵ کم کنید تا عدد سنگ جادویی را پیدا کرده، با فشار دادن سنگ جادویی، دیوار سنگی باز می شود و می توانید از آن عبور کنید. محمد شروع به شمارش کرد و گفت: اینجا ۱۴ سنگ وجود دارد. سامان گفت: پس باید ۴۵ را منهای عدد ۱۴ کنیم. عدد سنگ را پیدا کردند و دیوار سنگی باز شد و از آن عبور کردند.

مرحله‌ی سوم (رودخانه‌ی پر رمز و راز): بعد از عبور از دیوار سنگی، سه دوست به یک رودخانه‌ی پر رمز و راز رسیدند. روی یک تخته سنگ بزرگ در کنار رودخانه نوشته شده بود: برای عبور از رودخانه، باید تعداد قورباغه های روی آب را بشمارید و سپس آن عدد را با عدد ۲۴ جمع کنید. سامان شروع به شمارش کرد و گفت: در رودخانه ۱۵ قورباغه وجود دارد. آرمان گفت: پس باید ۵ را با ۲۴ جمع کنیم. ناگهان چند تکه سنگ از زیر آب بیرون آمد و آن‌ها توانستند با پرش از روی آن‌ها از رودخانه عبور کنند.

مرحله‌ی چهارم (صندوق گنج): این سه دوست ماجراجو، پس از گذشتن از رودخانه به یک غار تاریک در کوه بزرگ رسیدند. چراغ قوه را روشن کردند. در انتهای غار، یک صندوق گنج بود. روی صندوق نوشته شده بود: برای باز کردن صندوق، باید تعداد کلیدهای روی صندوق را بشمارید و سپس عدد را با ۵۲ جمع کنید. آرمان شروع به شمارش کرد و گفت: روی صندوق ۱۷ کلید وجود دارد. محمد گفت: پس باید ۵ را با عدد ۵۲ جمع کنیم تا بتوانیم کلید مورد نظر را فشار دهیم و در صندوقچه باز شود. وقتی حاصل را به دست آوردند، در صندوق باز شد و آن‌ها گنج را پیدا کردند. داخل صندوق پر از سکه‌های طلا و جواهرات بود. آن‌ها با خوش حالی گنج را برداشتند و به خانه بازگشتند.





داستان را خواندی، حالا به سوال‌ها پاسخ بده.

۱) برای عبور از پل چوبی، چه کاری باید انجام می‌دادند؟

۲) عدد سنگ جادویی چند بود؟

۳) مرحله‌ی سوم رسیدن به گنج چه بود؟

۴) با چه وسیله‌ای توانستند در غار حرکت کنند و صندوق گنج را پیدا کنند؟

۵) در انتهای غار تاریک چه چیزی را پیدا کردند؟

۶) چگونه توانستند صندوق گنج را باز کنند؟

۷) در مرحله‌ی اول، بچه‌ها چند قدم باید برمی‌داشتند تا از پل عبور کنند؟

۸) در مرحله‌ی سوم، برای عبور از رودخانه، مجموع قورباغه‌ها و عدد ۲۴ چقدر می‌شود؟

۹) برای باز کردن صندوق، کدام عدد را باید روی کلید فشار می‌دادند؟

۱۰) اگر هر کدام از دوستان ۲۰ سکه‌ی طلا بردارد، در مجموع چند سکه طلا در

صندوق گنج بوده است؟

